

واکاوی نیازهای تبلیغی شهر هرات افغانستان

احیا حسینی^۱
خدیدجه ابول^۲

چکیده

شهر هرات و توابع آن از آغاز ورود اسلام، زمینه پذیرش تشیع را داشت و طبق شواهد تاریخی، تشیع امامیه از قرن نخست اسلامی به هرات وارد شد. نوشتار حاضر به منظور پاسخ به یک پرسش اساسی در مورد شهر هرات تنظیم گردیده است: با توجه به موقعیت ویژه شهر هرات از نظر تبلیغ مکتب اهل بیت علیهم السلام، نیازمندی‌های تبلیغی این شهر چیست؟ امر تبلیغ در این شهر با توجه به ساختار مذهبی آن دارای چه آسیب‌هایی است؟ جهت رفع آسیب‌ها و یا بهبود امر تبلیغ در این حوزه جغرافیایی چه تمهیداتی می‌توان اندیشید؟

در خصوص پیشینه تحقیق، با جستجویی که صورت گرفت، پژوهش مستقلی در موضوع مورد بحث مشاهده نشد. همچنین از آنجا که نفس و ذات این موضوع کاربردی است و بیشتر بر تحقیق میدانی استوار است تا منابع کتابخانه‌ای و از سویی منابع مکتوب پیرامون موضوع این نوشتار وجود نداشت، لذا عمده منابع اطلاعاتی از طریق پرسشنامه و مصاحبه و برخی از یادداشت‌های مبلغین تهیه و تنظیم شده است.

کلیدواژگان: افغانستان، تبلیغ، شیعیان، مراکز دینی، هرات.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۰۹

a_hossaini7@yahoo.com

۱. دانشجوی دکتری مطالعات فرهنگی گرایش مطالعات اسلامی دانشگاه ارلنگن

۲. کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث و مدرس جامعه المصطفی العالمیه و حوزه علمیه مشهد (نویسنده مسئول)

abolola313@gmail.com

توده بشر در همه دوره‌ها نیازمند به دعوت و ارشاد است. قرآن کریم با صراحت این وظیفه را بر عهده گروهی از امت می‌گذارد و می‌فرماید: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»؛ (اعراف/ ۱۰۴) «باید گروهی از شما باشند که دعوت به خیر کنند، به نیکی فرمان دهند و از زشتی باز دارند و ایشان رستگارانند.» لذا مهم‌ترین رسالتی که در دوره خاتمیت از پیامبران به عالمان دین انتقال یافته، رسالت دعوت، تبلیغ، ارشاد و مبارزه با تحریف‌ها و بدعت‌ها است.

پیش از ورود به مبحث اصلی، می‌بایست آشنایی مختصری با جغرافیای موردنظر حاصل شود. بی‌تردید بدون داشتن آگاهی مناسب از وضعیت اجتماعی یک منطقه، نمی‌توان برای وضعیت فرهنگی آن برنامه‌ای مفید و قابل اجرا تعریف نمود و شهر هرات نیز از این قاعده استثنا نیست. با توجه به جغرافیای این شهر، که قرابت و نزدیکی فراوانی از جهات مختلف با فرهنگ اقوام ساکن در خراسان دارد، شاید تدوین برنامه تبلیغی فرهنگی برای آن آسان جلوه نماید، اما با نگاهی عمیق‌تر، دشواری‌های این امر برای برنامه‌ریزان آشکار خواهد شد.

سیر نوشتار به گونه‌ای است که در ابتدا با استفاده از آماری که اداره مرکزی آمار افغانستان، به‌عنوان معتبرترین مرجع آمار در کشور افغانستان در مورد هرات اعلام کرده است، نمایی از وضعیت فعلی هرات از ابعاد مختلف ترسیم خواهیم نمود، پس از آن به پراکندگی مذهبی در هرات اشاره می‌شود؛ آنگاه نگاهی گذرا به مدارس و مراکز دینی شیعیان شده و آسیب‌های مدارس دینی برشمرده می‌شود. در ادامه به برخی از مشکلات پیش روی شیعیان اشاره شده و به آسیب‌هایی که مبلغان در هرات با آن مواجه هستند اشاره خواهد شد. در خاتمه پیشنهادهایی در قالب راه‌کارها ارائه شده است.



نمایی از وضعیت هرات

۱. موقعیت جغرافیایی

افغانستان در زمان نادرشاه به پنج ایالت اصلی یا عمده و چهار ایالت فرعی تقسیم گردید. بعد از حکومت مشروطه و تصویب قانون اساسی در سال ۱۹۶۴ این کشور به ۲۶ ولایت تقسیم شد که هر کدام به دلیل اهمیت و چگونگی انکشاف آن به گروه‌های درجه یک، دو و سه تقسیم گردید. کابل، غزنی، گردیز، جلال آباد، مزارشریف، هرات و قندهار جزء مراکز درجه یک ولایات در تقسیمات کشوری قرار گرفتند. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۱، ص ۳۲)

هرات یکی از قدیمی‌ترین شهرهای کشور و حتی منطقه به حساب می‌آید و از دیرزمان مرکز تمدن خراسان کهن و مشرق زمین بوده و بعد از ام‌البلاد بلخ، جایگاه روشنی در تاریخ کشور و منطقه آسیا دارد. در قدمت تاریخی این شهر همین بس که یادآور شویم اسکندر مقدونی در سال ۳۰۳ قبل از میلاد آن را تجدید بنا کرده و در عهد اوستا این شهر آبادان بوده است. (دولت آبادی، ۱۳۷۱، ص ۱۴۰)

استان هرات در غرب افغانستان، در یکی از هموارترین مناطق جغرافیایی، در ارتفاع ۹۲۰ متری از سطح دریا واقع گردیده و مساحت آن ۵۵۸۶۹ کیلومتر مربع است که حدود ۸/۵ درصد خاک افغانستان را تشکیل می‌دهد. مرکز آن شهر هرات است و دارای پانزده ولسوالی (شهرستان) می‌باشد که عبارت‌انداز: انجیل، گذره (نظام شهید)، پشتون زرغون، کرخ، کشک (رباط سنگی)، گلران، کهسان، غوریان، زنده جان، ادرسکن، شیندند، فرسی، اوبه، چشت شریف و کشک کهنه (بی‌نام، ۱۳۹۵، ص ۳).

این شهر همراه با کابل، مزارشریف و قندهار یکی از چهار شهر بزرگ افغانستان به‌شمار می‌آید. ساکنان آن به زبان فارسی با لهجه هراتی سخن می‌گویند. هرات از دهه ۱۳۷۰ مرکز جذب مهاجران زیادی از سراسر افغانستان بوده است. ساکنان اصلی این شهر اقوام فارسی‌زبان بودند، البته هم‌اکنون هرات دارای اقوام مختلفی است و عمده زبان محاوره‌ای در این شهر فارسی است. بیشتر مردم در این شهر وابسته به قوم تاجیک هستند اما دیگر اقوام ساکن در آن عبارت‌انداز: پشتون، هزاره، ترکمن و عرب. هرات را در گفتارهای ادبی و رسمی هرات باستان می‌گویند.



۲. ترکیب جمعیتی

از جمعیت حدود ۱/۸ میلیون نفری استان هرات (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۵، ص ۹) شهر هرات بزرگ‌ترین سهم نفوس را با ۴۰/۱ درصد دارا می‌باشد که پس از کابل، دومین شهر پرجمعیت افغانستان محسوب می‌شود. در مورد تراکم نفوس، که نسبت جمعیت به مساحت را نشان می‌دهد، شهر هرات با ۲۳۸۳ نفر در هر کیلومتر مربع، بزرگ‌ترین تراکم نفوس را در میان شهرستان‌های استان داراست. متوسط اندازه خانوار نیز در هرات ۵/۷ نفر می‌باشد. (بی‌نام، ۱۳۹۵، ص ۴)

۳. اقوام و طوایف

افغانستان، سرزمین اقوام و قبایل است. در جریان قرن‌ها حیات شهر هرات، رفت و آمد اقوام مختلف بواسطه جنگ‌ها و مهاجرت‌ها و دیگر حوادث باعث شده که این شهر بافت قومی مختلط و ترکیب اجتماعی متنوعی داشته باشد. غنای فرهنگی، محیط مناسب طبیعی و جغرافیایی و امکانات و منابع خوب اقتصادی و زراعتی هرات نیز باعث جذب بسیاری به این شهر شده است. اشاره‌ای به نام اقوام ساکن در این دیار تأییدی است به تنوع قومی و فرهنگی هرات، از جمله: تاجیک، قائنی، ساخری (ساغری)، بلوچ، طاهری، عرب، حضرت‌ها، میرها، اقه‌ها، خواجه‌ها، میرزاها، خوافی، فیروزکوهی، هزاره، بختیاری، زوری، تایمنی، جمشیدی، قیپچاق، مغول‌ها، تیموری، درگزی (تاجیک)، مروی، میش مست، بایلانی، میرزابایی، مبادی، زینلی محمودی، کارتلند، ذکنی، نائی‌ها، ازبک، بایری، روندی، ترکمن، سرخکمان، مالکی و... تمام این اقوام و لایه‌های آن در شهر هرات جا گرفته و زبان دری و فرهنگ عمیق خراسانی، از آنان یک پیکر واحد هراتی ساخته است.

طوایف اوغان (پشتو زبان) شامل: نورزایی، الکوژی، موم‌اند، کاکر، وردک، بارک‌زایی، اسحاق‌زایی، یوسف‌زایی، پوپل‌زایی، اچک‌زایی، بردرانی، علی‌زایی، ماکو، خوکیانی و مشوانی است؛ همچنین دیده شده برخی از طوایف اوغان و یا پشتوزبانان چنان با واژگان دری انس و الفت گرفته‌اند که زبان فارسی دری هروری به لسان اصلی‌شان تبدیل شده است. این فرایند یادگیری زبان و جذب فرهنگ خراسانی هرات، طوایف مذکور را در فرهنگ عمومی هرات ذوب کرده و از آنان هراتیان بومی ساخته است.

هرات، گذشته از خصوصیات زراعتی و صنعتی خود به لحاظ خط ارتباطی هرات- تورغندی، هرات- قندهار و هرات- اسلام قلعه یک مرکز مهم تجارتي کشور به حساب می آید. (دولت آبادی، ۱۳۷۱، ص ۱۴۱)

۴. نرخ باسوادى

میزان سواد بزرگسالان (۱۵ ساله و بالاتر) در ۱۳ ولسوالی (شهرستان) هرات ۴۲/۲ درصد بوده که در بین مردان ۵۱/۱ درصد و در بین زنان ۳۳/۹ درصد است. این نسبت در میان جمعیت ۱۰ ساله و بالاتر ۴۷/۹ درصد است که شامل ۵۵/۴ درصد برای پسران و ۴۰/۵ درصد برای دختران است. بالاترین میزان سواد در میان گروه سنی ۱۵ تا ۲۴ ساله با ۶۱/۷ درصد به ثبت رسیده است؛ با پراکندگی ۶۱/۷ درصد میان مردان و ۵۶/۳ درصد میان زنان. درصد کودکان مشغول به تحصیل در مقطع ابتدایی ۶۵/۲ درصد و نوجوانان در مقطع راهنمایی ۳۰/۵ و در مقطع دبیرستان ۷/۱ درصد است. (بی نام، ۱۳۹۵، ص ۱۱)

۵. وضعیت اقتصادی

میزان کار برای جمعیت دارای توانایی کار یعنی ۱۵ ساله و بالاتر که به مدت حداقل شش ماه کار کرده اند، ۴۱/۸ درصد بوده است و درصد بیکاران با ۵۵/۳ درصد و باقیمانده برای مدت کمتر از شش ماه در طول سال مشغول به کار بوده اند. اکثریت مردان ۷۲/۸ درصد حداقل شش ماه کار کرده اند، در حالی که در میان همتای زنان از هر ۱۰ نفر یک نفر مشغول به کار بوده است. بسیاری از کارگران در کارهای خدماتی و فروشندگی با ۲۹/۹ درصد و ۲۲/۹ درصد نیز در مشاغل کم درآمد مشغول به کار بوده اند. (بی نام، ۱۳۹۵، ص ۱۲)

۶. وضعیت آموزش از ابتدایی تا دانشگاه

هر نظام فرهنگی برای دوام، بقا و ایفای کارکرد خود در مورد فرهنگ پذیری مخاطبان نیازمند تأمین مشارکت فعال است. مبنای توسعه اجتماعی جامعه، توسعه فرهنگی است و آن چه زمینه توسعه فرهنگی را آماده می سازد، آموزش است. (رضایی، ۱۳۸۹، ص ۱۴۲)



ولایت هرات در مجموع دارای ۹۱۲ باب مکتب است که از آن جمله ۲۵۷ باب آن لیسه (مدارسی که از پایه اول تا دوازده را تحت پوشش دارند)، ۲۶۹ باب متوسطه (مدارسی که از کلاس اول تا نهم را ارائه می‌کنند) و ۳۸۳ باب ابتدایی می‌باشد. متأسفانه هنوز ۴۸۹ مدرسه در استان هرات ساختمان ندارند و تعداد ۱۱ مدرسه به علت نگرانی‌های امنیتی بسته شده‌اند.

تعداد مجموع شاگردان مکاتب ابتدائیه، متوسطه و لیسه ولایت هرات به ۶۹۴۸۵۳ شاگرد می‌رسد که از این تعداد ۳۳۲۶۶۲ را دختران تشکیل می‌دهند و همچنان تعداد معلمین موجود ۱۳۱۵۰ تن هستند. کمبود اساتید حرفه‌ای و تعلیم‌دیده، کمبود کتابخانه‌ها، لابراتوارها، کلاس‌های درسی، از مشکلات عمده آموزش و پرورش در ولایت هرات است. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۵، ص ۳)

مسئله جدی‌تری که نظام تعلیم و تربیت افغانستان با آن روبه‌روست، بعد کیفی آموزش است. چهار عنصر اساسی آموزش عبارت‌اند از: شاگرد، معلم، کتاب و وسایل و فضای آموزشی. افزون بر کمبودهای فراوانی که از نظر کمی در تعلیم و تربیت افغانستان وجود دارد، امکانات موجود از نظر کیفی نیز بسیار پایین‌تر از استانداردهای بین‌المللی و حتی منطقه‌ای است. (بختیاری، ۱۳۸۵، ص ۲۳)

۷. وضعیت تحصیلات عالی

افغانستان کشوری است قبیله‌ای و در هر جای آن آداب و رسوم و وجود دارد که با هویت قومی آن منطقه همخوانی می‌یابد. لذا در هر منطقه‌ای از افغانستان در ارتباط با مسائل کلان فرهنگی نظیر تحصیلات و ادبیات و آداب و رسوم مذهبی و دیگر مؤلفه‌های هویتی، دیدگاه‌های مردم متفاوت و حتی گاه با دیدگاه‌های سایر مناطق متضاد است.

اما آنچه به‌طور خاص در مورد هرات می‌توان گفت این است که به دلیل پیشینه تاریخی و میراث فرهنگی غنی این منطقه، ساکنین آن نیز به‌صورت بالقوه آمادگی رشد فرهنگی در ابعاد مختلف را دارند. به‌عنوان نمونه تمایل مردم هرات در سالیان اخیر به تحصیل علم به‌صورت چشمگیری رشد کرده به طوری که حتی مراکز آموزشی متعدد خصوصی نیز در این باره پاسخگوی کامل نیازها نیست. در این میان وظیفه

آموزش در مقطع تحصیلات عالی در هرات بر عهده دانشگاه هرات و تقریباً ده دانشگاه و مؤسسه تحصیلات عالی خصوصی است.

۸. رسانه‌های دیداری، شنیداری و نوشتاری در هرات

افغانستان در زمینه تصویب قانون اساسی و احزاب و مطبوعات به نسبت برخی کشورهای منطقه قوانین بهتری دارد، اما از نظر التزام و عملی شدن این خواست با موانع فراوانی روبه‌رو است. برخی از این موانع به ساختار دولت و بخشی به جامعه سنتی افغان مربوط می‌شود که در برابر اقدامات آزادسازانه ناشی از فضای دموکراسی مقاومت می‌کند. هم‌اکنون اختلاف نظری درباره برخورد با رسانه‌ها و محدود کردن آزادی بیان در کشور وجود دارد که عموماً مورد حمایت معنوی و مالی کشورهای غربی قرار دارند. (حق پناه، ۱۳۹۰، ص ۳۳۷)

محصولات فرهنگی یک شهر می‌تواند معیاری برای وضعیت فرهنگی آن منطقه باشد. نگاهی گذرا بر وضعیت رسانه‌های شهر هرات به عنوان نمونه‌ای از محصولات فرهنگی ضروری به نظر می‌رسد. بنا بر آمار رسمی بیش از ۲۵ رسانه تصویری، ۲۴ رسانه صوتی و بیش از ۱۰۰ رسانه چاپی و مکتوب در استان هرات ثبت شده است. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۵، ص ۳۳)

۹. وضعیت زنان

زنان افغانستان در دوره‌های گذشته شاهد برخوردهای نامأنوس و نامتجانس از سوی دولتمردان بوده‌اند. آنچه از گزارش‌های رسمی در خصوص وضعیت زنان در هرات، بدست می‌آید، بیانگر وضعیت شرایی نامناسب از این قشر جامعه است. عوامل گوناگون اجتماعی نظیر فقر اقتصادی، رشد اعتیاد، نابسامانی اوضاع اجتماعی، فقر فرهنگی، عدم درک درست از حقوق فردی و اجتماعی، عدم حاکمیت قانون و فساد اداری مانع رسیدن به هدف محو خشونت گردیده است. گرچه نهادهای دولتی نظیر ریاست امور زنان ولایت هرات با همکاری ادارات و نهادهای همکار در این زمینه گام‌های مثبتی را برداشته‌اند، اما زنان برای مبارزه با خشونت نیاز به استقلال دارند؛ استقلالی که بتواند آن‌ها را از نظر حقوقی، همسان با مردان این جامعه سازد. این

استقلال از راه تحصیل علم و آشنایی با حقوق فردی به دست می‌آید که با توجه به حاکم بودن فرهنگ سنتی در جامعه هرات، چشم‌انداز روشنی برای بهبود وضعیت زنان وجود ندارد. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۵، ص ۳۴)

۱۰. پراکندگی مذهبی در هرات

به دلیل فقدان آمار رسمی نمی‌توان درصد قطعی از پراکندگی مذهبی در هرات بدست آورد. شواهد حاکیست که پیروان مذهب اهل سنت در این شهر از اکثریت برخوردار هستند. اما این شهر همیشه در محبت به اهل بیت پیامبر ﷺ مشهور بوده و حتی در قرن‌های گذشته در اواخر دوره تیموری شهر هرات مرکز جریان «تسنن دوازده امامی» بوده است. این جریان در حالی که اعتقاد به خلفای راشدین داشتند، اما نسبت به ائمه دوازده‌گانه شیعیان نیز ارادت خاصی داشته به‌گونه‌ای که اعتقاد آن‌ها به ائمه شیعه بسیار نزدیک به شیعیان است. با شکل‌گیری پیوند تشیع و تصوف در سده‌های ۸ و ۹ هجری و نفوذ روزافزون تشیع در میان توده‌های مردم، شاهد تغییر نگرش تسنن خراسانی با محوریت صوفیان نقشبندی هستیم.

فضای فرهنگی میان اهل سنت خراسان در این قرون به جز موارد استثنایی، برای باور بود که می‌توان میان چهار خلیفه و دوازده امام شیعیان جمع کرد و به همه آن‌ها اعتقاد داشت. عنوانی که به این گرایش و جریان می‌توان داد، «تسنن دوازده امامی» است. بررسی مجموعه داده‌های تاریخی و آگاهی‌های موجود، نشان داد در سده‌های هشتم و نهم هجری، تلاش‌های گسترده‌ای شروع شد تا این فکر را ترویج کند که می‌توان ضمن پای بندی به کتاب و سنت، در پی نشان دادن معرفتی باطنی و عرفانی از کتاب و سنت بود تا برآورنده نیازهای فکری زمان باشد. این فکر، برخی از علمای اهل سنت خراسان را بر آن داشت تا به اقتضای زمانه گرایش به تسنن دوازده امامی را اتخاذ نمایند. در این گرایش، عواملی مانند توجه نظری و عملی علمای اهل سنت به اهل بیت ﷺ، علاقه پادشاهان تیموری به دوازده امام شیعیان، فعالیت علویان، برآمدن خیزش‌های تصوفی با رنگ و بوی شیعی در خراسان، عالمان شیعی، مداحان و منقبت‌خوانان خراسانی، نقشی اساسی داشته‌اند. (امینی‌زاده، ۱۳۹۶، ص ۶۵)

شهر هرات و توابع آن از آغاز ورود اسلام، زمینه پذیرش تشیع را داشت و به گفته



مورخان، مردم آن چون دیگر مردم خراسان افزون برآنکه دل در گرو خاندان رسالت داشتند، فرزندان علی بن ابی طالب علیه السلام را برای حکومت بر دیگران ترجیح می دادند و چهره کلی شهر هرات و اطراف آن صبغه تسنن حنفی داشته است. در قرن دوم عمده‌تاً تشیع زیدی با مهاجرت حضرت یحیی بن زید، ذهن‌ها را به خود مشغول کرد و مردم با رویکرد عاطفی و سیاسی به ایشان و پس از شهادت وی به هواداران و انتقام‌گیران وی پیوستند.

تشیع امامیه نیز از قرن نخست اسلامی به هرات وارد شد. شیعیان در این شهر و اطرافش در اقلیت بودند، اما روند روشنی را پیموده‌اند که از این لحاظ بر بسیاری از شهرها و مناطق دیگر افغانستان امتیاز دارد. افزون بر این امتیاز، شهر هرات از رهگذر دیگری نیز بر همسایگان برتری دارد و آن داشتن خاندان‌های متشخص و با فرهنگ شیعه است. آنان در سده‌های مختلف دارای روابط منظم با ائمه علیهم السلام بوده‌اند. تاریخ تشیع در هرات و اطراف آن نیز با حیات و تلاش‌های دودمان‌های یادشده گره خورده و بازخوانی می‌شود. (داوودی، ۱۳۸۶، ص ۲۴۴)

درباره پیشینه شیعیان در هرات آمده است که در این شهر «عده کثیری شیعه زندگی می‌کردند. منطقه برناباد هرات تماماً شیعه بودند. محمد دیباج، پسر امام صادق علیه السلام در آخر عمر به هرات آمد و در میان شیعیان آنجا با احترام می‌زیست و قبر وی احتمالاً در هرات است.» (یزدانی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۷۱)

با ورود امام هشتم، حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام به خراسان تشیع در هرات نیز تحول مثبت یافته و رشد چشمگیر پیدا کرد. پیش‌تر مردم با تحمل زحمت و خطرهای فراوان می‌توانستند با امام خود ارتباط برقرار کنند و مسائل خویش را با او در میان بگذارند و از گفتار و رفتار وی توشه برداشته و در زندگی به کار بندند، اما پس از حضور امام رضا علیه السلام در خراسان، همگان بدون واسطه می‌توانستند جمال زیبای او را ببینند، از دیدگاه و مواضع وی آگاهی یافته، به سنت او اقتدا جویند و مسائل ناگفته خود را از نزدیک مطرح کنند.

در این میان فرهیختگان هروی توانستند شایستگی خود را نشان دهند، به طوری که بزرگ‌ترین یاران حضرت را تشکیل می‌دادند. یکی از آنان به نام ابوصلت هروی توانست در سایه پارسایی، دانایی و وفاداری به ولایت حضرت از اصحاب خاص، محرم



اسرار و نزدیک‌ترین دستیار ایشان باشد. این نکته بیانگر شایستگی هراتیان و از سوی طرفیت والای رهبری تشیع است. از دیگر اصحاب امام رضا علیه السلام که به هرات و توابع آن تعلق داشتند می‌توان از ابوصلت خراسانی هروی، احمد بن عبدالله هروی شیبانی و محمد بن قاسم پوشنگی یاد کرد که در کنار اصحاب بلخی، کابلی، سیستانی، فاریابی، جوزجانی و طالقانی و رنجی آن امام بزرگوار، در راه نشر فرهنگ تشیع و هدایت مردم به سوی اهل بیت علیهم السلام نقش مهمی را ایفا کردند. (داوودی، ۱۳۸۶، ص ۲۴۶)

در حال حاضر، به دلیل آنکه در افغانستان سرشماری دقیق نفوس صورت نگرفته و آمارها بیشتر تخمینی ارائه شده‌اند، از تعداد شیعیان به‌طور کلی در افغانستان و به‌طور خاص در هرات آمار دقیقی وجود ندارد؛ همان‌گونه که تعداد اهل سنت نیز مشخص نیست. لذا تا زمان سرشماری دقیق، نمی‌توان ترکیب جمعیتی این دو مذهب را به‌طور دقیق برآورد نمود، اما با توجه به انتخابات ریاست جمهوری و مجلسی که در هرات صورت گرفت با توجه به تعداد آرا به کاندیداهای شیعه می‌توان به برآورد ۳۰ درصدی از جمعیت شیعیان هرات دست یافت.

۱۱. وضعیت مراکز دینی

۱۱-۱. مراکز دینی اهل سنت

به دلیل قدمت تاریخی و نیز غنای فرهنگی شهر هرات، این شهر یکی از مراکز مهم دینی اهل سنت افغانستان به‌شمار می‌رود. معرفی تمام مراکز دینی اهل سنت هرات از حوصله این نوشتار خارج است. حتی گزارش‌هایی از فعالیت مدارس دینی بدون مجوز در هرات وجود دارد، که نفوذ افراطیون و دشمنان صلح و ثبات افغانستان در این مدارس، از تهدیداتی است که امنیت هرات را تهدید می‌کند. (روزنامه افغانستان ما، ۱۳۹۱، ص ۹) لذا به‌عنوان نمونه فقط به معرفی دارالعلوم هرات که یکی از مهم‌ترین مراکز دینی اهل سنت این شهر به حساب می‌آید، پرداخته می‌شود تا آشنایی اجمالی با فعالیت‌های یک حوزه علمیه اهل سنت در هرات بدست آید.

۱۱-۱-۱. دارالعلوم هرات

این مرکز دینی در رمضان سال ۱۴۲۷ هجری قمری مطابق با ۱۳۸۴ هجری شمسی

فعالیت‌های خود را آغاز نمود. دارالعلوم هرات در زمینه‌های مختلفی مشغول به فعالیت است.

۱. **تدریس علوم دینی:** این بخش، قسمت اعظم فعالیت مدرسه را به خود اختصاص داده که طلاب آن بالغ بر ۳۰۰ نفر و مشغول به فراگیری علوم دینی از جمله: فقه، حدیث، ترجمه قرآن، زبان عربی، صرف، نحو، ادبیات عرب، ادبیات دری، بلاغت، معانی و... هستند که از مرحله اول تا پایان آن دوازده سال به طول می‌انجامد.

۲. **بخش حفظ قرآن:** این بخش متشکل از ۵ شعبه حفظ می‌باشد که برای فعالیت طلاب در زمینه حفظ قرآن در نظر گرفته شده است. حدود ۱۵۰ نفر در این بخش‌ها مشغول به طی مراحل حفظ قرآن هستند.

۳. **دارالقرآن:** دارالقرآن‌های نور که در بخش آموزش قرآن، عقیده، یادگیری و حفظ احادیث، تعلیم آداب و احکام اسلامی و حفظ دعا‌های مأثوره فعالیت دارند.

۴. **مدرسه پسرانه:** این مدرسه با مجوز وزارت معارف جمهوری اسلامی افغانستان، زیر نظر دارالعلوم هرات تأسیس شده که دانش‌آموزان ضمن یادگیری علوم امروزی، علوم دینی را نیز فرا می‌گیرند. تعداد محصلین این بخش ۱۲۷ دانش‌آموز بوده که به صورت روزانه از کلاس اول تا هشتم مشغول به تحصیل هستند و سرویس رفت و آمد برای دانش‌آموزان در نظر گرفته شده است.

۵. **مدرسه دخترانه:** سیستم این مدرسه همانند مدرسه پسرانه است اما با این تفاوت که در این مدرسه، اساتید مرد از پشت پرده تدریس نموده و دختران نیز موظف به حفظ حجاب اسلامی و پوشش کامل در کلاس‌ها هستند؛ تعداد محصلین ۳۲۰ نفر است که در صنف‌های ۱ تا ۱۴ مشغول به فراگیری علم هستند.

۶. **دارالافتاء:** جهت پاسخگویی مشکلات و سؤالات دینی و شرعی مردم فعالیت می‌نماید.



۷. **دفتر مجله نسیم ایمان:** این مجله که ماهیانه و یا هر دو ماه یکبار منتشر می‌گردد، به موضوعات مختلفی همچون: مباحث علمی، دینی، فرهنگی و اجتماعی می‌پردازد.

۸. **خطبه‌های جمعه و درس‌های تفسیر:** تعدادی از اساتید حوزه، مسئولیت خطابت و اقامه نمازهای جمعه را در برخی از مساجد جامع شهر و حوالی آن برعهده دارند که روزهای جمعه به آن مساجد عزیمت نموده و مراسم نماز جمعه را برپا می‌دارند.

۹. **سایت دارالعلوم هرات:** این سایت، با عنوان ائمت آنلاین، یکی از معدود سایت‌های اهل سنت کشور افغانستان بوده که تحت نظر حوزه علمیه دارالعلوم هرات راه‌اندازی شده و مطالب خود را به زبان‌های فارسی و عربی منتشر می‌کند.

۱۰. **شورای مدارس:** برخی از مدارس دینی سه ولایت کشور که عبارت‌اند از: هرات، فراه و نیمروز، شورایی جهت همبستگی هرچه بیشتر بین مدارس علوم دینی تشکیل داده‌اند که ریاست این شورا نیز برعهده دارالعلوم هرات است.

۱۱. **حمایت مالی:** بنا بر ادعایی که در سایت دارالعلوم شده است تمام هزینه‌های این مدرسه از راه کمک‌های مردمی به واسطه پرداخت صدقات و خیرات تأمین می‌شود و ادعا شده است که این مدرسه هیچ‌گونه پشتوانه مالی دیگری ندارد. (وبسایت رسمی دارالعلوم هرات، ۱۳۹۴)

۱۱-۲. مدارس و مراکز دینی شیعیان

مدارس و مراکز دینی بخشی از نیازهای دینی هر منطقه را تأمین می‌نمایند. موضوعات درسی مدارس علمیه افغانستان بسیار قدیمی و نامتناسب با اوضاع جامعه امروز است. درس‌هایی که در این مدارس به طلاب تعلیم داده می‌شود، نمی‌تواند آنان را مبلغینی بار آورد که بتوانند نیازهای آینده جامعه‌ای را که در آن زندگی

می‌کنند، برآورند. گروهی از روحانیان، به‌ویژه آنان که سطح علمی پایین‌تری دارند، مکتب‌خانه‌ها را اداره می‌کنند. البته در سال‌های جهاد و جنگ‌های داخلی، مردم و مؤسسات خیریه در بسیاری از مناطق شیعی مدارس ساختند که کم‌کم دایره فعالیت مکتب‌خانه‌ها را تنگ‌تر ساخت. (بختیاری، ۱۳۸۵، ص ۳۹۲)

آنچه در مورد مدارس دینی مربوط به شیعیان می‌توان گفت این است که آمار دقیقی از تعداد آن‌ها در دسترس نیست. اما به نام تعدادی از آن‌ها اشاره می‌شود:

- مدرسه خاتم الانبیاء صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ زیر نظر آیت‌الله العظمی محقق کابلی در محله حاجی عباس هرات؛

- مدرسه علمیه عرفان؛

- مدرسه علمیه امام زمان عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى فرجه الشریف؛

- مدرسه حجة بن الحسن در منطقه جبرئیل

- مدرسه علمیه واقع در شهرک رضا.

در مورد مراکز دینی نیز می‌توان به این مراکز اشاره کرد:

- دارالقرآن محبان الائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام؛

- دارالقرآن الزهراء عَلَيْهَا السَّلَام؛

- مجتمع قرآنی پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؛

- دارالقرآن اسراء؛

- نهاد علمی اجتماعی زلال اندیشه؛

- مجتمع فرهنگی عرفان؛

و تعدادی دیگر که بیشتر این مراکز دینی در منطقه جبرئیل قرار دارد و در ده سال اخیر به واسطه حضور شیعیان در آن شاهد رشد چشمگیری از لحاظ امکانات شهری و فرهنگی در منطقه هستیم.

۱-۲-۱۱. آسیب‌های فراروی مدارس دینی در هرات

مدارس دینی در افغانستان به‌طور عام و در شهر هرات به‌طور خاص، تاریخ نسبتاً درخشانی دارند و اکثر آن‌ها پویایی و فعالیت مثبت خود را داشته‌اند. اما با وجود تمام امتیازات و جنبه‌های مثبت مدارس علمیه که در جای خود باید بررسی شود، با توجه



به شرایط فعلی، مقتضیات زمان و انتظارات جامعه از حوزه‌های علمیه، آسیب‌های جدی نیز متوجه آن‌هاست که در این نوشتار به برخی از موارد پرداخته می‌شود.

الف. نداشتن برنامه آموزشی و درسی

اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام فرد و جامعه را به فراهم کردن پایگاه عمیق فکری فراخوانده‌اند و بیان نورانی و معروف امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام ناظر به همین نکته است: «النَّاسُ ثَلَاثَةٌ عَالِمٌ رَبَّانِيٌّ وَمُتَعَلِّمٌ عَلَى سَبِيلِ نَجَاةٍ وَهَمَجٌ رَعَاةٌ أَتْبَاعُ كُلِّ نَاعِقٍ يَمِيلُونَ مَعَ كُلِّ رِيحٍ لَمْ يَسْتَضِيئُوا بِنُورِ الْعِلْمِ وَلَمْ يَلْجَأُوا إِلَى رُكْنٍ وَثِيقٍ»؛ «مردم سه دسته‌اند: یا عالم ربانی‌اند، یا متعلم و در مسیر نجات هستند و یا مانند مگس‌های کوچکی هستند که پیرو باندند و هر صدایی آنان را جذب می‌کند و استقلال ندارند.» (شریف‌الرضی، ۱۳۸۳، ص ۲۴۷)

داشتن برنامه آموزشی و چشم‌اندازی برای آینده، از ضروریات نهادهای آموزشی است. اکثر مدارس دینی در افغانستان، برنامه منظم و تدوین شده آموزشی ندارند. برنامه‌ها و مواد درسی به صورت سنتی هستند که از زمان‌های بسیار دور تا به امروز در حوزه‌های علمیه جریان داشته‌اند. با وجود تحولات و تغییرات عمده‌ای که در سایر عرصه‌ها رخ داده است، تمهیداتی در برخی از مدارس در نظر گرفته شده تا یک برنامه آموزشی مناسب، طراحی و اجرا شود ولی هنوز برنامه‌های درسی و آموزشی حوزه‌های علمیه تغییرات محسوسی نکرده است.

ب. کمبود اساتید توانا و مجرب

حوزه‌های علمیه با کمبود استاد مواجه‌اند. البته ناگفته نماند که در برخی مدارس اساتید ارجمند و عالی قدری حضور دارند، ولی چنین افرادی معدود و نادر هستند؛ لذا اغلب مدارس از کمبود استاد باصلاحیت رنج می‌برند.

ج. عدم ثبات منابع مالی مشخص

یکی از آسیب‌ها و مشکلات حوزه‌های علمیه تأمین بودجه است. زیرا اولاً، مدارس علمیه، با انگیزه‌های مختلفی تأسیس شده‌اند. گاهی یک روحانی که از حوزه

علمیه نجف یا قم مراجعت می‌کرد، اقدام به تأسیس مدرسه نمود؛ گاهی نیز جمعی از مؤمنین یک منطقه یا یک قوم، مدرسه‌ای ساخته‌اند. در دوران جهاد، احزاب و گروه‌های جهادی نقش فعالی در مدرسه‌سازی داشتند. هر چند در زمان تأسیس مشکل مالی وجود نداشته و مؤسس و بانی مدرسه به نوعی آن را تأمین می‌کرده است، اما با گذشت زمان، عواملی مانند فوت مؤسس، انحلال احزاب، عدم انگیزه و توان مردم برای کمک و سایر تحولات اجتماعی، سبب شد که مدرسه مشکل مالی پیدا نموده و سرانجام به تعطیلی مدرسه منجر شود.

ثانیاً، منبع مالی بیشتر مدارس علمیه کمک‌های مردمی و وجوهات شرعی است و چنین کمک‌هایی ثبات و دوام ندارد. این‌گونه کمک‌های ناپایدار ممکن است مدرسه را به لحاظ مالی اداره کند، اما قادر به حل تمامی مشکلات موجود مدرسه نیست.

برای ایجاد ساماندهی واحد روحانیت شیعه در افغانستان، پیش از هر چیز لازم است مرکزی اقتصادی پدید آید، زیرا بدون چنین محوری نمی‌توان قشر مهمی از جامعه را کنار هم گردآورد و آن‌ها را به گونه‌ای سازماندهی شده فعال ساخت. (بختیاری، ۱۳۸۵، ص ۳۸۷)

د. فقدان کتابخانه و منابع جهت مطالعه و پژوهش

پژوهش و تحقیق امری مغفول در مدارس علمیه است. البته این امر در مرحله اول به اساتید آن حوزه برمی‌گردد؛ چه اینکه اکثر اساتید خود با امر تحقیق و پژوهش بیگانه بوده و لذا از ورود به این موضوع اجتناب می‌کنند. علاوه بر آن اغلب مدارس دینی، فاقد کتابخانه هستند. البته برخی از مدارس تازه تأسیس، مکانی را برای کتابخانه در نظر گرفته‌اند، اما از آنجاکه هنوز تحقیق و پژوهش به صورت روش مند و جدی مدنظر قرار نگرفته است، بهره‌مندی مطلوب از این کتابخانه‌ها صورت نمی‌گیرد و غالباً به استفاده از شروح و کتاب‌هایی در زمینه سخنرانی و منبر اکتفا می‌شود.

ه. سلیقه‌گرایی و عدم ضابطه‌مندی (فردگرایی)

مدارس دینی در برنامه‌ها و فعالیت‌های آموزشی و تعلیمی خود قانون فراگیر و



جامعی ندارند. هر مدرسه به تنهایی برنامه‌ریزی می‌کند و معمولاً مدیر مدرسه، طبق سلیقه و میل خود در بخش‌های مختلف تصمیم می‌گیرد و عمل می‌کند و گاه در این میان دیده شده که حب و بغض‌های شخصی وارد حیطه تصمیم‌گیری گردیده و به اهداف مدارس دینی آسیب جدی وارد نموده است.

و. در حاشیه قرار گرفتن علوم و معارف قرآنی

از مهم‌ترین و ضروری‌ترین برنامه‌های آموزشی برای طلاب در مدارس دینی، فراگیری علوم و معارف قرآن است. اولویت اول برای طلاب علوم دینی، آموختن قرآن کریم می‌باشد. ولی به دلایلی در حوزه‌های علمیه کمتر به این امر توجه می‌شود و موضوعاتی مانند ادبیات عرب، اصول و فقه و منطق در اولویت قرار می‌گیرند.

ز. فقدان درس اخلاق

تربیت و تهذیب طلاب یک اصل مسلم است و در این راستا درس اخلاق در حوزه‌های علمیه یک سنت حسنه بوده است. اگر طلاب به لحاظ علمی به مدارج عالی برسند، اما به این سنت عمل نشود و تهذیب طلاب مورد غفلت واقع گردد، مراد حاصل نخواهد شد.

قرآن کریم، اهمیت مدینه فاضله را تنها در سایه نزاهت روح افراد آن مدینه می‌داند، زیرا مدینه فاضله را انسان‌های آزاده می‌سازند و انسان در بند، توان ساختن جامعه مدنی را نخواهد داشت. به همین جهت قرآن، رقیب و حریت را وسیله بسیاری از مسائل اخلاقی می‌شمارد و رقیب را نتیجه فرومایگی افراد می‌داند. (جوادی آملی، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۳۹) همچنین، اساسی‌ترین راه مبارزه در میدان جنگ فرهنگی، تطهیر روح و تهذیب اخلاق است. جز تهذیب روح که نتیجه و ثمره جهاد اکبر است، سلاحی توانایی مقابله با تهاجم فرهنگی را نخواهد داشت.

ح. عدم آشنایی طلاب با فضاها و فرصت‌های جدید تبلیغ

عدم بهره‌برداری مطلوب طلاب از فرصت‌های تبلیغی موجود که به واسطه توسعه امکانات رسانه‌ای مهیا گردیده، جای بحثی ندارد و صد البته نیازمند برنامه‌ریزی منظم و مداوم جهت تربیت بخشی از طلاب در این بخش است.



۱۱-۳. مساجد شیعیان

آمار دقیقی از تعداد مساجد شیعیان در دسترس نیست، اما این مسأله امری معمول است که هر جا جمعیتی از شیعیان حضور داشته باشند، به اقتضای توانایی اقتصادی و تعداد شیعیان، مساجد مربوط به شیعیان نیز در آنجا ساخته خواهد شد. به عنوان نمونه تنها در منطقه جبرئیل شهر هرات که منطقه‌ای شیعه‌نشین است و در چند سال اخیر رشد مناسبی داشته است، حدود ۱۸ مسجد بنا شده است. خطبه‌های نماز جمعه مخصوص شیعیان نیز در مسجد جامع وسیع و باشکوهی در این منطقه ایراد می‌گردد.

۱۱-۴. تکایا و حسینیه‌های شیعیان

آنگونه که از تاریخ خراسان در دوره اسلامی و از جمله تاریخ هرات باستان می‌نمایند، از همان قرون نخستین محبت پیامبر اسلام ﷺ، حضرت علی علیه السلام و فرزندان ایشان علیهم السلام در دل مردمان این مرزوبوم فروزنگی داشته و قیام‌های استقلال طلبانه مردم خراسان با قیام‌های آزادی خواهان دودمان حضرت علی علیه السلام پیوند داشته است. چنانکه دولت اموی به همت خراسانیان و به سرداری ابومسلم خراسانی درهم شکست. همچنین وجود زیارتگاه‌هایی مانند مزار امامزاده عبدالله، امامزاده قاسم و میرعبدالواحد شهید این پیوند را حفظ نموده است.

وجود تکیه‌خانه‌ها و حسینیه‌های متعدد از این امر حکایت دارد که مراسم عزاداری امام حسین علیه السلام و محبت به خاندان رسول صلی الله علیه و آله از قرن‌های گذشته در این سرزمین ریشه داشته گرچه پس از ظهور صفویه این امر نمود بیشتری یافته است. به هر حال در جریان تاریخ پرفراز و نشیب هرات، گاهی زمینه برای اجرای مراسم عزاداری مساعد بوده و زمانی عرصه برای بیان مصیبت، تنگ می‌شده است، چنانکه این هر دو حالت را در دوره پادشاهی مستبدانه امیر عبدالرحمان خان به خوبی مشاهده می‌کنیم. محمدیوسف ریاضی در این باب می‌نگارد که در سال ۱۳۰۳ هجری، مطابق ۱۸۸۶ میلادی تعزیه‌داری ماه محرم را اهالی تشیع افغانستان در هرات و کابل به منتهی درجه اجرا می‌کردند و در شهر هرات چهل و یک تکیه روضه‌خوانی وجود داشته است. امیر عبدالرحمان در سال ۱۳۱۰ هجری مطابق ۱۸۹۳ میلادی مراسم تعزیه‌داری



حسین بن علی علیه السلام را متوقف کرد و شیعیان را تحت فشار قرار داد. اما در عصر حاضر در اواخر دوره پادشاهی محمد ظاهرشاه و دوره ریاست جمهوری محمد داوود و حتی در دوران کمونیست ها مراسم عزاداری، روضه خوانی و نوحه سرایی در هرات آزادانه صورت می گرفت، گرچه گاهی فشارها و سختی هایی در این امر وجود داشت. (هروی ریاضی، ۱۳۶۹، ص ۲۲۱)

❁ مشکلات پیش روی شیعیان در هرات

شیعیان هرات دارای مشکلات ویژه خود هستند که برخی از آن ها ناشی از مشکلات درون گروهی و برخی از آن ها ناشی از مسائل برون گروهی است.

۱. مشکلات درون گروهی

قوم گرایی، تعصبات حزبی و وجود برخی مسائل تحت عنوان شیعیان بومی و غیربومی از مسائل و مشکلات درون گروهی شیعیان است که لازم است مبلغین تا حد امکان جهت تعدیل و یا از بین بردن آن ها اقدام نمایند. همه افغان ها به استثنای چند هزار هندو و سیک و چند صد نفر یهودی، پیرو دین اسلام اند. در کشوری که در آن اشاره و استناد به ملت، امری است بسیار تازه و دولت به چشم یک نهاد خارج از جامعه نگریسته می شود و در کشوری که افراد، تابع گروه های قبیله ای هستند، اسلام است که برای همه افغانی ها تنها مرجع و پشتیبان همگانی است. (روا، ۱۳۷۲، ص ۵۵)

یکی از مسائلی که زمینه ساز صلح، امنیت، ثبات سیاسی و باعث ایجاد آرامش و زندگی برادرانه و مسالمت آمیز در افغانستان شده و آینده این سرزمین را از کشمکش ها و درگیری های داخلی در قالب مذهب حفظ خواهد کرد، رسمیت دادن به مذاهب معتبر و پذیرفته شده و احترام به آداب و سنن اجتماعی مردم این کشور است.

امروز این واقعیت ملی و تاریخی جای انکار نیست که مردم مسلمان افغانستان از نظر دسته بندی مذهبی به دو مذهب بزرگ و معتبر شیعه و سنی براساس فقه جعفری و حنفی تقسیم می شوند. هر یک از اقوام و طوائف مختلف از آداب و سنن اجتماعی

و مقدسات دینی و مذهبی خاص برخوردار بوده و هر کدام از این دو مذهب بزرگ در افغانستان میلیون‌ها انسان مؤمن پیرو و طرفدار دارد و در طول تاریخ، معتقدان به این دو مذهب در برابر متجاوزان مقاومت کرده و در ستیز با اشغالگران، صدها هزار شهید جهت پاسداری و دفاع از آرمان‌های اسلامی و دینی‌شان در راه رضای خدا تقدیم کرده‌اند. (دایکندی، ۱۳۷۲، ص ۶۴)

۲. مشکلات برون‌گروهی

۲-۱. حضور نزدیک پایگاه‌ها و حلقه‌های پنهان داعش در هرات

نزدیکی مراکز و مدارس دینی مروج افراطی‌گری به مناطق شیعه‌نشین، مساجد و مراکز شیعیان را به اهدافی سهل‌الوصول تبدیل کرده است. فعالیت‌های تبلیغی گروه داعش در ولایت هرات تأیید شده و آن‌ها در برخی از روستاهای خارج از کنترل دولت در اطراف هرات و همچنین در قالب تیم‌های مخفی در داخل شهر هرات در برخی از مدارس دینی اهل سنت تحت گروه‌های تبلیغی داعش فعالیت دارند و به همین دلیل دولت نتوانسته آنان را سرکوب کند. از بدترین اهدافی که این حلقه تروریستی دنبال می‌کند، ایجاد اختلاف میان مذاهب اسلامی است و تاکنون چندین حمله علیه مساجد و ترور علمای شیعه در هرات انجام داده‌اند.

البته حملات آشکار گروه داعش به مساجد شیعیان باعث همدلی بیش از پیش اهل سنت با شیعیان این شهر شده است؛ برگزاری نماز جماعت مشترک پس از حمله به مسجد امام جواد علیه السلام نمونه‌ای از ایجاد وحدت بین مذاهب اسلامی است.

یکی از ضرورت‌های ملی، اسلامی، شرعی و انسانی مردم زجر دیده افغانستان در شرایط فعلی، حفظ وحدت و همبستگی، اخوت و برادری در کشور است. شاید کمتر کسی در دنیای اسلام پیدا شود که به توطئه‌های رنگارنگ دشمنان اسلام مبنی بر ایجاد اختلاف و کشمکش در جوامع اسلامی و شدت بخشیدن به درگیری‌های قومی و قبیله‌ای، مذهبی و نژادی آشنا نباشد. (دایکندی، ۱۳۷۲، ص ۱۴۴) چنانکه مقام معظم رهبری علیه السلام نیز سال ۱۳۶۸ در دیدار رئیس جمهور موقت افغانستان و رهبران مجاهدان افغانی در این خصوص تصریح کردند: «امروز وحدت برای شما، هم تاکتیک و هم



استراتژی و هم یک اصل اسلامی است و همیشه برای شما لازم است. اگر بخواهید به قضایا خیلی سیاسی نگاه کنید، وحدت برای شما لازم است. البته نباید به وحدت به چشم تاکتیک نگاه کرد؛ وحدت یک اصل اسلامی است: «واعتصموا بحبل الله جميعاً». یعنی اعتصام به حبل الله، جمعاً و مجتمعاً لازم است. اعتصام به حبل الله، به صورت تک تک ممکن نمی شود: «ولاتفرقوا».

۲-۲. وجود تبعیض سیستماتیک در بدنه اداری شهر

با نگاهی کلی به مدیران و کارمندان دولتی و نهادهای مدیریتی شهر آنچه بیش از همه جلوه می کند عدم حضور و یا حضور کم رنگ شیعیان در این پست ها است. علاوه بر آن برخی از شیعیانی که با آن ها گفتگو شده است از وجود تبعیض ها و مشکلات فراوان در هنگام مراجعه به دوايرو ادارات دولتی شکایت دارند.

در مورد مسائل امنیتی نیز این تبعیض دیده می شود. به عنوان نمونه در ایام محرم به دلیل حملات و تهدیدهای گروه های افراطی و تکفیری، در مراکز تصمیم گیرنده در کابل و پایتخت مقرر شد که برای دفاع و جلوگیری از حملات افراطیون در میان مساجد شیعیان اسلحه توزیع شود، اما این تصمیم به دلیل کارشکنی مسئولان در هرات عملی نگردید.

آسیب های موجود در میان مبلغان اعزامی به هرات

برای دانشمندان، دنیاگرایی بسیار خطرناک و خطرآفرین است؛ چراکه تجهیز به علم، قدرت آفرینی می کند و این قدرت اگر در مسیر دنیا دوستی قرار گیرد، مشکلات فراوانی به همراه خواهد داشت. حال اگر دانشمندی در رشته علوم دینی به مراتبی نائل آمده و این رذیله اخلاقی را همراه داشته باشد، خطرآفرینی او برای دیگران دوچندان، بلکه صدچندان می شود. چه بسیارند عالمان دینی ای که اساس سقوط آن ها دنیا طلبی بوده و آن گاه هزاران انسان را نیز به مسلخ برده اند و بی خدا و بی دین نموده اند. (نیلی پور، ۱۳۸۸، ص ۱۱۷)

متأسفانه در بحث نیازهای تبلیغی برخی از مشکلات به خود مبلغان باز می‌گردد. در این مجال به برخی از آسیب‌ها و ناهنجاری‌های امر تبلیغ در میان مبلغین اعزامی اشاره می‌شود:

۱. تعداد مبلغین توانمند با قدرت بیان و وعظ قوی اندک است؛ به عبارت دیگر بین کمیت مبلغین توانا و نسبت جمعیت شیعیان که دلیل آن فقدان بسترسازی و سازوکار لازم در زمینه تربیت مبلغین تواناست، تناسب وجود ندارد.

۲. از سویی آموزش‌هایی که مبلغین دیده‌اند برای پوشش خلأهای فکری و هجمه‌های متنوع و گسترده فرهنگی و همچنین دانش و توانایی آن‌ها در برخی موارد با سطوح مخاطبین تناسبی ندارد؛ به‌عنوان نمونه در مواردی دیده شده که مبلغ در سخنرانی و تبلیغات خود منابع غیرمعتبر و غیرمطرح را جایگزین منابع مرجع و معتبر نموده است.

۳. عدم وجود نگاه تحلیلی نسبت به ناهنجاری‌های مبتلا به جامعه و توجه صرف به بیان مطالب تقلیدی و غیرتحلیلی؛ به‌عنوان نمونه شاکیه بعضی از خطابه‌ها و سخنرانی‌ها که بیشتر تکراری و سنتی است و از مطالب روزآمد و مفید مخاطبان امروزی برخوردار نیست.

۴. بی‌نظمی و عدم انسجام در دسته‌بندی برخی سخنرانی‌ها و محاضرات و حفظ بلاغت و سطح علمی مخاطبان.

۵. عدم تعمق و تعمیق در بعضی خطابه‌ها و مواعظ به واسطه فقدان برنامه‌ریزی جهت تداوم مطالعات تخصصی و روزآمد.

۶. فقدان شناخت و آشنایی برخی از مبلغین با ملزومات تبلیغ موفق مانند سازوکارهای عملی مخاطب‌شناسی و ملحوظ داشتن آن در تمامی سطح تبلیغی (رفتار و گفتار و سیره شخصی و فردی، مواعظ، سخنرانی‌ها، آموزش‌ها و...).

۷. وجود دغدغه‌های معیشتی نزد بسیاری از مبلغین.

۸. وجود تناقض در گفتار و رفتار در برخی از مبلغین.

۹. سیاست‌زدگی و جناح‌گرایی و قوم‌گرایی برخی مبلغین که بر شاکیه تبلیغ آنان تأثیرگذار بوده و عامل دفع برخی از مخاطبان می‌شود.

۱۰. دامن زدن به فضای امر و نهی مطلق نزد برخی از مبلغین و رابطه تک‌بعدی



و یک‌جانبه مبلغ و مخاطب که منعکس کننده فضای خشک مقدسی می‌شود. (این موضوع از محوری‌ترین عوامل دفع مخاطبان امروزی به‌ویژه جوانان محسوب می‌گردد.)

۱۱. بی‌توجهی به برخی نیازهای فطری و غریزی جوانان و در نتیجه عدم توصیف و تبیین الگوهای مناسب در این زمینه توسط برخی از مبلغین.

۱۲. دخالت مستقیم برخی مبلغین در امور غیرضرور و غیرمرتبط که عدم کسب نتیجه لازم در این‌گونه امور موجب سلب اعتماد و ایجاد حس نارضایتی نسبت به مبلغ می‌گردد. کار و فعالیت اصلی یک مبلغ باید تبلیغ دین باشد و این اصل نباید فدای فروغ و حواشی گردد.

۱۳. در برخی موارد هم‌رنگ شدن مبلغ با محیط‌های غیرتبلیغی و خارج شدن از حدود و ثغور تبلیغ دینی و تأثیرپذیری و مرعوب شدن در برابر فرهنگ مهاجم.

۱۴. عدم تناسب سطح انتظار جامعه از مبلغین و توانایی‌های کنونی برخی از آنان در زمینه‌های نظری، فکری و مطالعاتی.

۱۵. عدم تسلیح به سلاح‌های تبلیغی مدرن و استفاده از ظرفیت فضای مجازی در امر تبلیغ.

پیشنهادها

۱. تأسیس مجمع علما و روحانیون اهل سنت و شیعه هرات

روحانیت شیعه و اهل سنت در افغانستان هیچ‌گاه دارای سازمان منظم و مرکزیت واحد نبوده و دارای سلسله‌مراتب مشخص نیستند. هیچ‌گونه معیار سنجش علمی برای محصلان علوم دینی در افغانستان مطرح نبوده و وجود ندارد. هر کسی که وارد حوزه علمیه می‌شود و مدتی به فراگیر علوم مرسوم در آن می‌پردازد، مردم به او لقب شیخ، ملا، آخوند و... می‌دهند. بی‌نظمی و عدم ساماندهی کارآمد در سازمان روحانیت موجب گردیده که سوءاستفاده‌های زیادی از این قشر صورت گیرد و کسانی که آگاهی و شناخت کافی از اسلام و دین ندارند به تبلیغ اسلام بپردازند. (صفدری،

۱۳۸۷، ص ۱۶۱)

با توجه به اینکه شهر هرات دارای بافت جمعیتی با اکثریت اهل سنت است، از نظر تبلیغی ویژگی‌های خاص خود را دارد و از طرف دیگر با توجه به بافت سنتی افغانستان، روحانیون و علما اعم از شیعه و سنی از جمله تأثیرگذارترین چهره‌های فرهنگی و دینی هستند. در صورت ایجاد زمینه‌های مودت و دوستی و تحکیم اخوت دینی در بین ایشان، می‌توان از این عناصر تبلیغی برای ایجاد و ترویج همبستگی و وحدت اسلامی بهره جست.

جامعه‌ای که بینش و آگاهی پیدا کند با یکدیگر متحد و هماهنگ می‌شوند و حاصل این اتحاد و هماهنگی، اجتماع کردن تحت پرچمی واحد است. در نتیجه چنین جامعه‌ای از بسیاری از فتنه‌های ظلمانی و مشکلات پیچیده در امان خواهد ماند؛ چنانکه امام علی علیه السلام می‌فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ شُقُّوا أَمْوَاجَ الْفِتَنِ بِسُفْنِ النَّجَاةِ وَعَرِّجُوا عَنِ طَرِيقِ الْمُنَافَرَةِ»؛ «ای مردم امواج فتنه‌ها را با کشتی‌های نجات (ائمه هدی علیهم السلام) در هم بشکنید و از راه اختلاف و پراکندگی بپرهیزید.» (شریف‌الرضی، ۱۳۸۳، ص ۴۵)

امام علی علیه السلام در سخنی دیگر می‌فرماید: «بِنَا اهْتَدَيْتُمْ فِي الظُّلْمَاءِ وَ تَسْتَمْتُمْ ذُرْوَةَ الْعُلَيَّاءِ وَ بِنَا أَفْجَرْتُمْ عَنِ السِّرَارِ»؛ «شما مردم به وسیله ما، از تاریکی‌های جهالت نجات یافته و هدایت شدید و به کمک ما به اوج ترقی رسیدید و صبح سعادت شما با نور ما درخشید.» (همان، ص ۴۳)

به‌همین منظور شایسته است نشست‌های مشترک بین روحانیون شیعه و اهل سنت برگزار شود و برای آن اهداف بلندمدتی به شرح زیر پیشنهاد می‌گردد:

۱. تقویت تقریب و وحدت بین پیروان مذاهب اسلامی که از رسالت‌های مؤکد

جامعة المصطفی العالمیه نیز به‌شمار می‌رود؛

۲. ایجاد حسن تفاهم و روابط دوستانه بین علمای شیعه و اهل سنت؛

۳. گسترش و تقویت فرهنگ دینی در میان پیروان مذاهب اسلامی؛

۴. پیشگیری از آسیب‌های ناشی از اختلافات مذهبی و اهانت به مقدسات یکدیگر؛

۵. بهره‌گیری از توانمندی‌های علمای شیعه و اهل سنت در تحقق و عینیت

بخشیدن به دستورات متعالی قرآن کریم؛

۶. شناسایی جریان‌های فکری همسو و هم‌دل در میان اهل سنت و در میان شیعیان؛

۷. تنویر افکار جهت آشنایی با شیوه‌های برخورد با جریان‌های افراطی و تکفیری؛
۸. تدوین برنامه‌های فرهنگی تبلیغی در مقابله با رشد تکفیر و تفکرات افراطی در میان اهل سنت و هجوم مدرنیته و نفوذ غرب‌گرایی در بین شیعیان.

۲. سازمان دارالتبلیغ ویژه افغانستان

یکی از مبلغین فعال در افغانستان حدود ده سال قبل طرح ایجاد یک دارالتبلیغ ویژه افغانستان را ارائه داد که به نظر می‌رسد بخشی از نقایص و کاستی‌های موجود در امر تبلیغ در افغانستان، به‌طور عام و در شهر هرات را به‌طور خاص رفع نماید. دارالتبلیغ ویژه منطقه افغانستان قادر است به‌صورت فراگیر عمل کرده و تعیین سیاست‌گذاری‌های تبلیغی را برعهده بگیرد. از نظر ساختاری این تشکل دارای شش بخش بوده و هر قسمت، جزئی از یک کل را تشکیل می‌دهد، ولی نتیجه کار به‌صورت یک پیکره واحد و به‌هم‌پیوسته جلوه می‌نماید.

۲-۱. بخش‌های دارالتبلیغ

۱- واحد علمی

این بخش به نوعی اتاق فکر دارالتبلیغ محسوب می‌شود و اعضای آن از بین مبلغین مطرح کشور و نیز مبلغان رسانه‌ای، علمای دینی آشنا به علوم روان‌شناسی و جامعه‌شناسی انتخاب می‌گردند.

۲- بخش فرهنگی

این بخش به‌صورت کلی کارهای فرهنگی و تنظیم کمی و کیفی برنامه‌هایی را که در مناسبت‌های دینی و مذهبی در نظر گرفته می‌شود، به‌عهده می‌گیرد و با طراحی الگوهای مناسب، طرح‌های برتر را به تمام نهادهای فرهنگی ذی‌ربط تعمیم می‌دهد.

۳- بخش افزایش مهارت‌های تبلیغی

این بخش باید تمام مبلغین اعزامی را با مهارت‌های لازم مانند مخاطب‌شناسی، نحوه ایجاد ارتباط با مخاطب، شیوه انتقال مطالب، مدیریت بحران، شیوه کلاس‌داری



و مدیریت جلسات مذهبی آشنا سازد.

از دیگر کارهایی که در این واحد انجام می‌شود، تشکیل پرونده تبلیغی برای هر مبلغ است. ریزفعالیت‌ها، طرح‌ها و موفقیت‌های مبلغ در آن محفوظ بوده و به‌عنوان آینه‌ای تمام‌نما از وضعیت فعالیت مبلغ عمل خواهد کرد.

۴- بخش تربیت و آموزش

این بخش افراد مستعد و خوش ذوقی را که حداقل از تحصیلات متوسطه حوزوی برخوردار باشند، جهت مدیریت بخش‌های مهم فرهنگی از جمله رسانه‌های مختلف مانند: رادیو و تلویزیون، فیلم‌نامه‌نویسی، داستان‌نویسی و برنامه‌سازی و همچنین کار در فضای مجازی و برنامه‌نویسی جهت گوشی‌های هوشمند تربیت می‌نماید. طبیعی است که برای دستیابی به هدف مطلوب، ایجاد فضای آموزشی، تهیه امکانات مناسب و نیز بهره‌گیری از افراد لایق و برجسته در امر آموزش ضروری است.

۵- بخش مالی

این بخش با جذب کمک‌های متدینین و خیرین مسلمان از داخل و خارج، اعتبار مالی دارالتبلیغ را فراهم می‌سازد.

۶- بخش روابط

این بخش ارتباط «دارالتبلیغ» را با مؤسسات دینی و مذهبی و چهره‌های علمی آزاد در داخل کشور و با مؤسسات دینی و اسلامی و مراجع ذی‌ربط در خارج از کشور برقرار می‌سازد. از این طریق امکان رایزنی‌های فرهنگی و هنر و همکاری و تأمین محتوای فرهنگی میسر می‌گردد و از هدر رفتن امکانات فرهنگی و تجهیزات مربوطه جلوگیری می‌شود. (فهمی، ۱۳۸۵، ص ۳۶)

۳. تدوین برنامه جامع تربیت صحیح دینی برای کودکان و نوجوانان

جوانان، از سویی سرمایه‌های اساسی هرجامع و از طرفی، آینده‌سازان آن هستند و در اندیشه دینی از اهمیت والایی برخوردارند. این اهمیت و جایگاه خاص، اقتضا



می‌کند از آنان در برابر آفات روحی و دام و سوسه‌های شیطانی، با حساسیتی ویژه محافظت شود. طبیعت پرنرژی جوان که بهترین ابزار صعود او به درجات والای مادی و معنوی است، اگر به فرمان عقل در نیاید، خود سرچشمه فساد شده و نیروی جوانی را به بیراهه برده و ضایع می‌کند.

ارتباط دائمی با خدای بزرگ و مراقبت همیشگی، بهترین راه صیانت از نعمت جوانی است. «و علی الشَّبَابِ بِالْإِنَابَةِ وَ التَّوْبَةِ»، گفتنی است انابه و توبه برای هر کس، در هر جایگاه سنی و اجتماعی ضروری است، اما شرایط جوانی بیشتر مقتضی آن است. (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۲۱۰)

با توجه به بافت جوان جمعیتی هرات، بخش قابل توجهی از سرمایه انسانی شیعیان را کودکان، نوجوانان و جوانان تشکیل می‌دهند، لذا برای این قشر پیشنهاد می‌شود که برنامه‌ریزی مناسبی انجام گیرد. به‌عنوان نمونه مدارس برای کودکان و نوجوانان با همان سبک و سیاق مدارس وزارت معارف (آموزش و پرورش) افغانستان تأسیس شود، اما این مدارس تحت اشراف مدارس علمیه و همراه با برنامه‌های جنبی و فوق برنامه دینی برای دانش‌آموزان باشد که نمونه موفق آن را می‌توان در دو مدرسه پسرانه و دخترانه‌ای دید که تحت نظر یکی از مدارس دینی اهل سنت (دارالعلوم هرات) برای کودکان و نوجوانان اهل سنت به همین منظور بنیان نهاده و اداره می‌شود.

۴. فعالیت تبلیغی در فضای مجازی

برگزاری دوره‌های آشنایی با تبلیغ در فضای مجازی برای طلاب در موضوعات وابسته به فضای مجازی دارای اهمیت است؛ موضوعاتی مانند: آشنایی فنی با فضای مجازی، آشنایی با مهارت‌های تبلیغ دینی در فضای مجازی (آسیب‌شناسی و فرصت‌شناسی، اصول نویسندگی، اصول پاسخگویی به شبهات، ملزومات عملیات تبلیغی و...)، چالش‌های امنیتی فضای مجازی و راهکارهای مقابله با آن‌ها و آشنایی اجمالی با محیط‌های فعالیت (وبلاگ، سایت، انجمن، شبکه‌های اجتماعی و شبکه‌های پیام‌رسان)

۵. برنامه تبلیغی ویژه بانوان

همانگونه که اشاره شد، در جامعه افغانستان زنان با مشکلات فراوانی روبرو هستند، لذا فعالیت‌های تبلیغی به خصوص با سرمایه‌گذاری بر روی بانوان مبلغه می‌بایست با جدیت بیشتری دنبال شود. از آنجا که مادران سهم ویژه‌ای در تربیت صحیح فرزندان دارند، هرگونه برنامه‌ریزی تبلیغی بر روی بانوان و مادران قدمی بزرگ در راه تبلیغ مکتب اهل بیت علیهم‌السلام برای نسل‌های آینده است.

یکی از بزرگ‌ترین مزایا و افتخارات اسلام این است که در روزگاری که تاریکی جهل سراسر جهان را فرا گرفته بود، آموختن علم و معرفت را در ردیف ضروریات حیات و بلکه مقدم بر سایر ضروریات منظور کرد و بر همگی افراد و طوائف بدون استثناء امر تعلیم و تعلم را فرض و واجب شمرد. (محمدی، ۱۳۸۲، ص ۳۵)

از آنجا که حق آموزش و تحصیل از حقوق طبیعی و فطری انسانی محسوب شده و ارتباطی با جنسیت ندارد، اسلام نیز با نگرش متین و متقن برای حق آموزش و تحصیل زن و مرد ارزش والایی قائل شده است.

اسلام در ارزش‌گذاری نامحدود برای تحصیل علم شاخص‌هایی را عنوان می‌نماید که نظیر آن در استحکام و ژرف‌نگری در هیچ مکتبی یافت نمی‌شود، زیرا قید زمان را با شعار «اطلبوا العلم من المهد الی اللحد» از تحصیل علم برداشته و محدودیت مکانی را با قید «اطلبوا العلم ولو بالصین» مضمحل نموده و محدودیت سرچشمه اخذ دانش را با روایت شریف: «ما اطلب العلم ولو عند مشرک» از بین برده و قید جنسیت را با تعبیر «طلب العلم فریضة علی کل مسلم و مسلمة» از میان برداشته است. (مستقیم، ۱۳۸۰، ص ۴۸)

۶. سامان دادن برنامه‌ای مشابه نهضت سوادآموزی

از آنجا که درصد قابل توجهی از جامعه بزرگسال هرات و به خصوص شیعیان بی‌سواد یا کم‌سواد هستند، به نظر می‌رسد راه‌اندازی کلاس‌های سوادآموزی و در کنار آن ترویج مکتب اهل بیت علیهم‌السلام گزینه مناسبی برای برنامه‌های تبلیغی است؛ البته این برنامه نیاز به پشتیبانی منظم سازمان‌های حمایتی نظیر دفاتر مراجع و... دارد.

۷. تهیه و تکثیر جزوات و بروشورهای تبلیغی

انقلاب اسلامی ایران دگرگونی عظیمی را در سراسر جهان اسلام در تمامی زمینه‌ها ایجاد نمود که کشور اسلامی افغانستان به نسبت همسایگی و هم‌زبانی با ملت مسلمان ایران بیش از سایرین تحت تأثیر قرار گرفت. (دولت‌آبادی، ۱۳۷۱، ص ۱۴۱) اما متأسفانه بخش قابل توجهی از جامعه هرات گرفتار و یا در معرض آسیب‌های اجتماعی فراوان نظیر اعتیاد، ناهنجاری‌های اخلاقی، تهاجم فرهنگی و... هستند. شایسته است مبلغین و سازمان‌های تبلیغی شیعه با رعایت برخی از ملاحظات و با استفاده از آموزه‌های مکتب اهل بیت علیهم‌السلام نسبت به تولید محتوا و تکثیر آن در میان مخاطبین اقدام نمایند.



نتیجه‌گیری

با توجه به وضعیت خاص هرات و اینکه این منطقه به سبب وجود تنوع مذهبی، از مناطق تلفیقی به حساب می‌آید، هر نوع برنامه‌ریزی تبلیغی باید متناسب با این خصوصیت انجام گیرد. از معرفی هرات بدست آمد که این شهر دارای مشکلات اجتماعی و فرهنگی پیدا و پنهان فراوانی است، لذا پیشنهاد می‌شود مبلغان محترم این مشکلات و آسیب‌ها را به صورت جامع در نظر گرفته و برای برطرف شدن و کاهش این آسیب‌ها تلاش نمایند. بانوان مبلغه نیز می‌توانند در راستای برنامه‌های تبلیغی فرهنگی ویژه بانوان، کودکان و نوجوانان در این امر مهم سهیم باشند.

با توجه به وجود مؤسسات و مراکز فرهنگی متعدد وابسته به شیعیان، می‌توان با تشکیل یک اتحادیه از این مؤسسات، برنامه‌های فرهنگی تبلیغی آن‌ها را مدیریت نموده و با همکاری و هم‌فکری، جهت اعتلای جامعه شیعه و مکتب اهل بیت علیهم‌السلام در این شهر تلاش نمود.



منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم (۱۳۷۶)، ترجمه الهی قمشه‌ای، تهران: موسسه تحقیقاتی و انتشاراتی فیض کاشانی.
۲. امینی‌زاده، علی، رنجبر، محمدعلی (۱۳۹۶)، «تسنن دوازده امامی خراسان (در سده‌های هشتم و نهم هجری)؛ زمینه‌ها و علل»، نشریه شیعه‌شناسی، دوره ۱۵، شماره ۵۷.
۳. بختیاری، محمدعزیز (۱۳۸۵)، شیعیان افغانستان، قم: انتشارات شیعه‌شناسی.
۴. بی‌نام (۱۳۹۱)، «مسوولان هرات: صدها مدرسه دینی بدون جواز قانونی فعالیت می‌کند»، روزنامه افغانستان ما، ۹ دی ۱۳۹۱.
۵. جمعی از نویسندگان (۱۳۹۵)، گزارش وضعیت اقتصادی و اجتماعی ولایت هرات، کابل: انتشارات وزارت اقتصاد افغانستان.
۶. جمعی از نویسندگان (دفتر نمایندگی مقام معظم رهبری در امور افغانستان) (۱۳۸۱)، افغانستان در سه دهه اخیر، قم: نشر موسسه فرهنگی ثقلین.
۷. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۵)، مبایذ اخلاق در قرآن (تفسیر موضوعی قرآن کریم)، قم: نشر اسراء.
۸. _____ (۱۳۸۸)، امام مهدی موجود موعود، قم: نشر اسراء.
۹. دایکندی، محمد محقق (۱۳۷۲)، راه‌های وصول به صلح و امنیت و ثبات سیاسی در افغانستان، مشهد: نشر عرفان.
۱۰. دولت‌آبادی، بصیر احمد (۱۳۷۱)، شناسنامه افغانستان، قم: نشر مؤلف.
۱۱. رضایی، صدیقه (۱۳۸۹)، زنان افغانستان؛ مشارکت و توسعه، کابل: انتشارات فرهنگ.
۱۲. روآ، الیور (۱۳۷۲)، افغانستان؛ اسلام و نوگرایی سیاسی، ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم، مشهد: انتشارات قدس رضوی.
۱۳. شریف‌الرضی، محمد بن حسین (۱۳۸۳)، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، تهران: ناشر سنبله.
۱۴. صفدری، محراب علی (۱۳۸۷)، روحانیت و حکومت در افغانستان (زمینه‌ها، موانع و راهکارها)، قم: نشر مرکز جهانی علوم اسلامی.

۱۵. صندوق جمعیت ملل متحد در افغانستان (۱۳۹۵)، **سروری (آمار) اقتصادی- اجتماعی و دموگرافیکی ولایت هرات در سال ۱۳۹۵**، کابل: انتشارات اداره مرکزی احصائیه (اداره مرکزی آمار افغانستان).
۱۶. فهیمی، محمدسالم (۱۳۸۵)، «بایسته‌های تبلیغ در جامعه تشیع افغانستان»، **مجله سفیر**، ویژه‌نامه و پیش‌شماره ۳.
۱۷. محمدی، فاطمه‌سادات (۱۳۸۲)، **ارزش زن در ادیان و جوامع گذشته**، جایگاه زن در اسلام و غرب، قم: انتشارات مرکز علوم جهانی علوم اسلامی.
۱۸. مستقیمی، مهدیه‌السادات (۱۳۸۰)، «نگاه اسلام به آموزش و تحصیل زنان»، **کتاب زنان**، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، شماره ۱۱.
۱۹. ناصری داوودی، عبدالمجید (۱۳۸۶)، **تاریخ تشیع در افغانستان**، قم: نشر مرکز جهانی علوم اسلامی.
۲۰. نیلی‌پور، مهدی (۱۳۸۸)، **آسیب‌شناسی دانش و دانشمندان**، اصفهان: نشر مرغ سلیمان.
۲۱. هروی ریاضی، محمدیوسف (۱۳۶۹)، **عین الوقایع: تاریخ افغانستان در سال‌های ۱۲۰۷-۱۳۲۴**، تهران: انتشارات دکتر محمود افشاریزدی.
۲۲. یزدانی، کاظم (۱۳۷۲)، **پژوهشی در تاریخ هزاره‌ها**، قم: نشر محمدامین شریفی.

منابع اینترنتی

۱. بی نام، ۱۳۹۷/۰۱/۰۶، «صدها مدرسه دینی بدون جواز قانونی فعالیت می‌کند»، **روزنامه افغانستان ما**، شنبه ۹ جدی ۱۳۹۱،
www.dailyafghanistan.com/national_detail.php?post_id=126607
۲. بی نام، ۱۳۹۷/۰۱/۰۵، «۸۰ درصد مردم هرات برنامه‌های تلویزیونی ایران را تماشا می‌کنند»، **خبرگزاری تسنیم**، www.tn.ai/1040439
۳. خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۳۹۹/۰۴/۱۹، «بیانات در دیدار رئیس دولت موقت و رهبران مجاهدین افغانستان»، **سایت دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای**، www.farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2195
۴. وبسایت کنسولگری ایران در هرات، ۱۳۹۷/۰۱/۰۴،
www.herat.mfa.ir/index.aspx?siteid=24&pageid=28281
۵. وبسایت رسمی دانشگاه هرات، www.hu.edu.af
۶. خبرگزاری پژواک، ۲۰۱۸/۰۳/۱۳، www.elections.pajhwok.com/dr/content
۷. وبسایت رسمی دارالعلوم هرات، ۱۳۹۶/۱۲/۲۸، www.ommatonline.com
۸. خبرگزاری اسپونیتیک، ۲۰۱۸/۳/۱۳، www.sptnkne.ws/eNgn



Considering propagating needs of the city of Herat, Afghanistan

*Ahya Hosseini*¹

*Khadije AbolOla*²

Abstract:

Analyzing the Islamic propagation needs of the city of Herat and the surrounding towns from the advent of Islam, there was a great tendency for acceptance of shiaism and as per historic references, Imamiya shiaism entered Herat from the first century.

This paper is designed to answer a fundamental question about what are the requirements of the city of Herat with regard to the special situation in terms of the propagation of the school of Ahlul Bayt ? What is the harm caused by propagation of religion in the city based on its religious structure? What arrangements can be done to eliminate or lessen the damage done in this geographic area?

Regarding the background of the research, there was no independent study on this subject. Also, since the soul and essence of this topic are applied and are mostly based on field research, there are no library resources and also no written sources around the subject matter of this paper, so the main sources of information are provided through questionnaires and interviews and some notes.

Keywords: Afghanistan, propagation, shiaism, religious centers, Herat.

1. PhD Student in Cultural Studies majoring in Islamic Studies University of Erlangen

2. Master of Quranic and Hadith Sciences and Lecturer of Mustafa International University and Seminary of Mashhad (Responsible Author)

